

خدا حافظی با پادشاه

پله درگذشت؛ مردی که فوتبال را از ورزش به یک صنعت سرگرمی بزرگ تبدیل کرد

گروه ورزش

پله که با نام ادسون آرانتمس دوناسیمنتو به دنیا آمد یک چهره برجسته ورزشی در قرن بیستم بود که به عنوان گنج ملی در زادگاهش برزیل مورد احترام قرار می‌گرفت.

پله یکی از بزرگ‌ترین بازیکنان تاریخ فوتبال و به عنوان یکی از چهره‌های متحول‌کننده ورزش و صنعت سرگرمی در قرن بیستم به شهرت جهانی دست پیدا کرد. سطحی از شهرت که تعداد کمی در تاریخ به آن رسیده‌اند. این چهره تاثیرگذار و ارزشمند پنجشنبه در سائوپائولو در سن ۸۲ سالگی درگذشت.

جو فراگا مدیر برنامه و مامور پله مرگ او را تایید کرد. بیمارستان آلبرت انیشتین سائوپائولو گفت که علت مرگ او نارسایی اندام‌های متعدد در نتیجه پیشرفت سرطان روده بزرگ بوده است.

پله به عنوان یک قهرمان ملی در زادگاهش برزیل در سراسر جهان محبوب بود؛ بین افراد بسیار فقیر، همان‌هایی که پله در میان آنها بزرگ شده بود و همچنین افراد بسیار ثروتمند که پله بعدها با آنها دمخور شد و تقریباً همه کسانی که بازی او را دیدند.

اندی وار هول هنرمند پایه‌گذار پاپ‌آرت گفته بود: «پله یکی از معدود کسانی است که نظریه مرا به چالش کشید. او به جای ۱۵ دقیقه شهرت، ۱۵ قرن مشهور خواهد بود.»

پله که به دلیل استعداد بی‌نظیر و اصالتش در زمین تجلیل می‌شود در دنیای بیرون به خاطر شخصیت درخشان و اعتقادش به قدرت فوتبال برای ایجاد ارتباط میان مردم از طریق محو خطوط جداکننده نظیر نژاد، ملیت و طبقه مورد احترام قرار داشت.

او سه قهرمانی جام جهانی با برزیل و ده عنوان قهرمانی لیگ با سانتوس تیم باشگاهی خود و همچنین قهرمانی لیگ فوتبال امریکای

شمالی در سال ۱۹۷۷ با نیویورک کسموس به دست آورد. پله قبل از آخرین بازی فوتبال خود در اکتبر ۱۹۷۷ در استادیوم جاینتز نیوجرسی میکروفن را از زمین برداشت و در مرکز زمین کنار محمدعلی کلی و پدرش قرار گرفت. او در حالی که ۷۵ هزار نفر او را تشویق می‌کردند، گفت: «همین الان سه بار با من بگو برای بچه‌ها عشق! عشق! عشق!»

پله در دوران ۲۱ ساله‌اش ۱۲۸۳ گل در ۱۳۶۷ بازی حرفه‌ای به ثمر رساند که ۷۷ گل برای تیم ملی بود. بسیاری از آن گل‌ها افسانه‌اش شدند اما تاثیر پله فراتر از گلزنی بود. او به ایجاد و ترویج چیزی که بعداً جوگوبونیتو به معنای بازی زیبا نامیده شد کمک کرد. سبکی متشکل از کنترل‌های هوشمندانه توپ، پاس‌های مبتکرانه و اشتباهی سیری‌ناپذیر برای حمله. پله نه تنها بهتر از هر کسی بازی می‌کرد بلکه در سراسر دنیا آن را ترویج داد.

درخشش اولیه

پله در جام جهانی ۱۹۵۸ در سوئد در کانون توجه بین‌المللی قرار گرفت. جوانی ۱۷ ساله که در کودکی با پاهای برهنه در خیابان‌های روستای فقیرانه‌اش فوتبال بازی می‌کرد. او که ستاره برزیل بود ۶ گل در این مسابقات زد. از جمله ۳ گل در نیمه‌نهایی مقابل فرانسه و دو گل در فینال و برد ۵ بر ۲ مقابل سوئد. این اولین قهرمانی برزیل از ۵ قهرمانی آنها و ۳ قهرمانی پله بود.

پله همچنین عضوی از برزیل قهرمان جام‌های جهانی ۱۹۶۲ و ۱۹۷۰ بود. در جام جهانی ۱۹۶۶ او در نخستین بازی‌ها و مقابل انگلیس با تکل وحشیانه یک بازیکن پرتغالی که با قوانین جدید مستحق اخراج بود از زمین بازی بیرون رفت. با غیبت پله برزیل در دور اول حذف شد. او آنقدر ناامید بود که اعلام کرد از تیم ملی خداحافظی می‌کند اما برای جام جهانی ۱۹۷۰ در تصمیم خود تجدیدنظر کرد. سپس عضوی از تیم برزیلی شد که به عنوان بهترین تیم تاریخ شناخته می‌شود. تیمی به کاپیتانی کارلوس آلبرتو پیرا.

ادسون آران‌تس دوناسیمنتو در ۲۳ اکتبر ۱۹۴۰ در یک شهر کوچک در ایالت Minas Gerais به دنیا آمد. پدرش بازیکن حرفه‌ای بود که به دلیل مصدومیت دوران حضور کوتاهی در فوتبال داشت. یکی از اولین خاطرات پله از فوتبال، شکست برزیل در بازی سرنوشت‌ساز جام جهانی ۱۹۵۰ در ریودوژانیرو بود که با نتیجه ۲ بر ۱ به اروگوئه باخت. پله گریه‌های پدر را در حالی که به رادیو گوش می‌داد به خاطر می‌آورد. پله به پدرش گفته بود روزی بزرگ خواهد شد و قهرمانی را برای برزیل به ارمغان خواهد آورد.

پله در ۱۵ سالگی به سانتوس منتقل شد و در اولین بازی حرفه‌ای‌اش ۴ گل زد. او تنها ۱۶ سال داشت که اولین بازی خود را برای برزیل در ژوئیه ۱۹۵۷ انجام داد.

یک روش جدید برای بازی

پله بعدها گفت وقتی برزیل در تابستان سال بعد به جام جهانی سوئد رفت او آنقدر لاغر بود که عده‌ای تصور کردند او یک جور طلسم است! اما وقتی بازی او را دیدند داستان متفاوت شد. گزارش‌ها از مهارت این نوجوان برزیلی به سرعت در سراسر دنیا پخش شد. یکی از این گزارش‌ها در مورد گل عجیب او به ولز بود که باعث شد برزیل به نیمه‌نهایی برسد. پله در زندگی‌نامه‌اش نوشت: «این اعتماد به نفس مرا کاملاً افزایش داد. اکنون جهان از پله خبر داشت.»

پله بدون شک از بازی کنار ستاره‌های دیگری نظیر گارینشا، دیدی و واوا و همچنین عدم آشنایی اروپایی‌ها با سبک برزیلی سود برد. در آن زمان تیم‌های اروپایی بسیار ایستا بازی می‌کردند اما برزیل یک سیستم شناور داشت و بازیکنان مدام باهم جابه‌جا می‌شدند. این سبک بازی تماشاگران را خیره می‌کرد.

پس از برد ۵ بر ۲ برزیل در نیمه‌نهایی مقابل فرانسه که با هت‌تریک پله همراه بود گلر فرانسوی‌ها گفت ترجیح می‌دهم مقابل ۱۰ آلمانی بازی کنم تا یک برزیلی.

پله برای خدمت سربازی به تیم ارتش پیوست و برنامه فشرده ۱۰۳ مسابقه در یک فصل را تحمل کرد. او ۹ بار در عرض ۲۴ ساعت ۲ بازی انجام داد!

سانتوس در تورهای پر سود پیش‌فصل خود از شهرت پله استفاده می‌کرد. در سال ۱۹۶۰ در مسیر مصر هواپیمای تیم در بیروت توقف کرد. جمعیت زیادی که جمع شده بود تهدید به ربودن پله کردند مگر اینکه سانتوس یک بازی دوستانه با یک تیم لبنانی بازی کند. پله در زندگی‌نامه خود نوشت: «خوشبختانه پلیس با قاطعیت برخورد کرد و ما به مصر رفتیم.»

پله و سانتوس یک بار هم با دعوت تیمسار خسروانی مالک باشگاه تاج و دریافت مبلغ ۳۰ هزار دلار برای یک بازی دوستانه با تیم تاج به تهران آمدند. البته در آن مقطع اکثر بازیکنان استقلال در اردوی تیم ملی بودند و تقریباً تیم منتخب تهران مقابل سانتوس و پله در ورزشگاه تازه تاسیس آریامهر برابر دیدگان دستکم ۶۰ هزار ایرانی قرار گرفت.

پله آنقدر بزرگ شده بود که در سال ۱۹۶۱ تیم‌های اروپایی برای خرید او صف کشیدند اما دولت برزیل در قطعنامه‌ای تصویب کرد او یک

گنجینه ملی و غیر قابل صادرات است.

دیپلماسی فوتبال

زمانی که پله در اوایل دهه ۱۹۷۰ در آستانه بازنشستگی از سانتوس بود هنری کسینجر وزیر امور خارجه ایالات متحده به دولت برزیل نامه نوشت که مجوز بازی پله در آمریکا را صادر کند تا راهی برای کمک به ارتقای فوتبال در برزیل و آمریکا باز شود.

کلیو توتو مدیر تیم کسموس متقاعد شده بود که بازیکنی را که در سطح جهان به عنوان بهترین و پردرآمدترین بازیکن شناخته میشود به خدمت بگیرد. اولین بازیکنان این تیم که تنها یکسال قبل از آن متولد شده بود قراردادهایی به ارزش ۷۵ دلار امضا کرده بودند! توتو اولین بار در سال ۱۹۷۱ با پله ملاقات کرده بود. این آشنایی چهار سال ادامه پیدا کرد و در نهایت با کمک میلیون‌ها دلاری که Warner Communications وسط گذاشت پله به کسموس پیوست.

در آن زمان پله از بازی در تیم ملی برزیل برای جام جهانی ۱۹۷۴ آلمان غربی حسابی مورد انتقاد واقع شده بود. در سال ۱۹۷۵ پله با پیشنهادی ۱۵ میلیون دلاری یوونتوس و رئال مادرید روبرو روبرو بود. اما توتو به پله گفت: «اگر با آنها قرارداد امضا کنی در نهایت یک قهرمانی به دست می‌آوری اما اگر با ما قرارداد ببندی کشور را به دست می‌آوری.»

برای جلب نظر پله یک قرارداد موسیقی به قرارداد فوتبالی پله اضافه شد. یک قرارداد شامل ۵۰ درصد از درآمد مجوز فروش برند پله. همچنین تضمینی برای استخدام دوستش مازی به عنوان دستیار. پله قراردادی ۳ ساله به ارزش ۲.۸ تا ۷ میلیون دلار امضا کرد (معادل ۴۰ میلیون دلار امروز)

حضور پله در آمریکای شمالی هیاهوی زیادی به راه انداخت. حدود ۱۸ هزار نفر بازی‌های خانگی تیم را تماشا می‌کردند. پله با مردم و رسانه‌ها و همچنین خبرگزاری‌های خارجی در تعامل بود. ستارگان سینما و موسیقی از جمله میک جاجر، رابرت ردفورد و راد استورات در بازی‌های خانگی تیم حضور پیدا می‌کردند.

کسموس در آخرین فصل حضور پله به استادیوم جاینترز نقل مکان کرد و آنجا به اوج محبوبیت رسید. در یک بازی پلی‌آف خانگی جمعیتی معادل ۷۷۹۶۱ نفر برای تماشای پله وارد استادیوم شدند. در آن فصل تیم دو ستاره دیگر یعنی فرانتس بکن بائر و یوهان کرایوف را هم به خدمت گرفته بود. به نظر می‌رسد فوتبال در آمریکای شمالی در حال شکوفایی بود ولی گذر زمان مشخص کرد که هنوز آمریکا آمادگی‌اش را نداشت.

در ژوئن ۲۰۱۴ در شهر سانتوس درست قبل از جام جهانی موزه پله

افتتاح شد. پله در ویدیویی به همین مناسبت گفت: «گذر از دنیا لذت بزرگی است. اینکه بتوانم خاطراتی برای نسل‌های آینده و میراثی برای کشورم به یادگار بگذارم.»

عاشق بچه‌ها و مدافع آموزش

پله روزمري چلبی را در ۱۴ سالگی ملاقات کرد و تقریباً ۸ سال قبل از اینکه در ۱۹۶۶ ازدواج کنند با یکدیگر رابطه داشتند. آنها دارای سه فرزند بودند و در سال ۱۹۸۲ طلاق گرفتند. پس از طلاق نام پله بیشتر در صفحات شایعات و کنار نام ستاره‌های سینما و موسیقی‌دان‌ها و مدل‌ها می‌آمد. او در چند فیلم از جمله «فرار به سمت پیروزی» با کارگردانی جان هیوستون در سال ۱۹۸۱ کنار مایکل کین و سیلستر استالونه بازی کرد. همچنین مشخص شد او دو رابطه خارج از ازدواج داشت. یکی از این دو نفر ساندرای نام داشت که بعدها کتابی با عنوان «دختری که پادشاه نمی‌خواست» را نوشت.

پسر پله ملقب به ادینهو پنج سال دروازه‌بان حرفه‌ای بود تا اینکه مصدومیت به دوران حرفه‌ای او پایان داد و بعداً به جرم قاچاق مواد مخدر به زندان افتاد.

در سال ۱۹۹۴ پله با آسیریا سیکساس لموس روان‌شناس و خواننده برزیلی ازدواج کرد. دوقلوهای آنها در ۱۹۶۶ به دنیا آمدند و در سال ۲۰۰۸ طلاق گرفتند. پله در سال‌های پایانی زندگی خود با یک تاجر برزیلی به نام مارسیا آئوکی ازدواج کرد.

بچه‌ها همیشه به گرمی پاسخ پله را می‌دادند و او هم به آنها. نه اغراق‌آمیز و ترسناک بلکه با لبخندی گشاد و راحت و صدایی عمیق و اطمینان‌بخش. جیم ترکر مدیر قدیمی فوتبال که در کسموس فعالیت می‌کرد می‌گوید: «هرگز انسان دیگری را ندیده‌ام که اینقدر مایل باشد زمان بیشتری برای تشویق یا در آغوش کشیدن یک کودک صرف کند.»

پله نسبت به ترک تحصیل بچه‌ها حساس بود. او اغلب برای بسیاری از برزیلی‌های جوان و فقیر که بی‌سواد مانده بودند ابراز تاسف می‌کرد. روزی که پله هزارمین گل خود را در ماراکانه در نوامبر ۱۹۶۹ به ثمر رساند مقابل ۲۰۰ هزار تماشاچی آن گل را به بچه‌ها تقدیم کرد. او در حالی که اشک می‌ریخت یک سخنرانی بداهه درباره مشکلات کودکان در برزیل ارائه داد. بسیاری از رسانه‌ها ژست او را اغراق‌آمیز توصیف کردند اما برای دهه‌ها بعد پله برای اثبات واقعی بودن احساسش مدام به آن واقعه رجوع می‌کرد. او در سال ۲۰۰۷ در نیویورک در یک کمپین سوادآموزی گفت: «امروز خوشونتی که در برزیل می‌بینیم، فساد و مشکلات بزرگ به خاطر دو نسل از بچه‌هاست که آموزش کافی ندیده‌اند.»

(در تحقیقاتی که سال ۲۰۰۶ انجام شد معلوم شد هزارمین گل پله در واقع هزار و دومین گل او بود.)

تجارت و موسیقی

حضور پله در دنیای سیاست به سال ۱۹۹۵ برمیگشت. زمانی که او توسط فرناندو هنریکه به عنوان وزیر ورزش برزیل منصوب شد. پله یک جنگ بزرگ را برای پاسخگو کردن تیم‌های برزیلی که اغلب توسط مردان قدرتمند اداره میشد در مورد عملیات تجاری آنها و اصلاح قوانین حاکم بر قرارداد بازیکنان آغاز کرد. در سال ۱۹۹۸ قانون پله که دقیقاً به همین اسم شناخته میشد باشگاه‌ها را ملزم می‌کرد به عنوان شرکت غیر انتفاعی مشمول مالیت شوند و ترازنامه خود را منتشر کنند. امضای قرارداد قبل از ۲۰ سالگی با بازیکنان ممنوع بود و پس از دو (یعنی سن ۲۲ سالگی به جای ۳۲ سالگی) سال آنها مشمول حق ترنسفر رایگان میشدند. بسیاری از مقررات بعداً تضعیف شد و فساد ادامه پیدا کرد اما پله گفت از اینکه بند حق ترنسفر رایگان باقی مانده افتخار می‌کند.

معاملات تجاری به هم ریخته در طول زندگی پله را آزار می‌داد. او خودش می‌گفت ساده‌لوحی باعث شد به آنهایی که صلاحیت ندارند اعتماد کند. در سال ۲۰۰۱ شرکتی که او یک دهه قبل تاسیس کرده بود با نام Pelé Sports and Marketing متهم شد و ام‌هایی که در ازای بازی‌های خیریه از یونیسف دریافت کرده را پس از انجام نشدن بازی‌ها برنگردانده. پله شرکت را تعطیل کرد و البته یونیسف گفت تخلفی در این زمین صورت نگرفته.

پله در طول زندگی به فعالیت موسیقی هم ادامه داد. او هرگز از گیتارش و یک ضبط صوت مینیاتوری که آهنگ‌ها و شعرهایی که دوست می‌داشت را ضبط می‌کرد دور نمی‌شد. او ده‌ها آهنگ ساخت که توسط ستاره‌های پاپ برزیلی ضبط شدند. او در سال ۲۰۰۶ به گاردین گفت: «نمی‌خواستم مردم بین پله آهنگساز و پله بازیکن فوتبال مقایسه کنند. این یک بی‌عدالتی بزرگ بود. در فوتبال استعداد من هدیه خدا بود. موسیقی فقط برای سرگرمی بود.»

پله همزمان با بزرگ‌تر شدن اغلب از دشواری‌های تمایز بین دو شخصیت صحبت می‌کرد. خود واقعی‌اش و فوق ستاره‌ای به نام پله. او اغلب به صورت سوم شخص از خودش یاد می‌کرد. او در زندگینامه خود نوشت: «یکی از راه‌هایی که من سعی می‌کنم از طریق آن دیدگاه خود را نسبت به مسائل حفظ کنم، این است که یادآوری کنم آنچه مردم به آن پاسخ می‌دهند، لزوماً من نیستم بلکه پله‌ای است که به شخصیت اسطوره‌ای تبدیل شده است.»

منبع: روزنامه اعتماد 10 آبان 1401 شماره 1401